

## بخواسته‌های ملت ایران ارج نهید

به خانواده هستند در کنار بیان این خواسته نیز بی عدالتی دیگری را ناظریم که در دو سال اخیر دهه‌انفر از زنان ایرانی که خواستار تغییراتی در قانون هستند گرفتار حبس و محکومیت‌های کوتاه و دراز مدت اند و روزنامه‌ها هر روز از چندتن نام می‌برند.

فساد اخلاقی در بالاترین و معتبرترین مراکز آموزشی کشور رسوخ کرده است به افرادی اجازه اداره امور دانشجویان و یا تدریس در دانشگاه‌ها را می‌دهند که با رفتار ضد اخلاق فردی و اجتماعی خود حرمت دانشگاه، استادان و دانشجویان را می‌شکنند و کار به جایی رسیده است که بسیاری از استادان گرانقدر یک‌ه از آنکه استادشان می‌نامند احساس شرم می‌کنند.

در سرزمین کهن ما معدودی بسیار مرفه و اکثریتی در دریای فقر و فلاکت غوطه ورنند. پول نفت را بر سفره‌های خود ندارند ولی مشکلات این یلای سیاه را با تمام وجود احساس می‌کنند از تهدید حمله به ایران مردم می‌هراسند. ترس، فقر کمرشکن نداشتن امید به فردای بهتر فقدان آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ما را به لبه پرتگاه فروپاشی کشانده است.

نخستین گام برای برون شدن از این تنگنا ارج نهادن به خواسته‌های ملت ایران است که برآمده از خرد جمعی است.

دارند که می‌توان آنان را مراجع موثق نامید. آنانکه مورد تهمت اند با سکوت از پاسخ می‌گذرند و این سکوت و آن شایعه، سازنده عقیده عمومی درباره حاکمیت است. فقر و گرانی مردم ما را می‌آزارد کارمندان و معلمان و کارگران با حداقلی از حقوق ماهیانه ناملایمات زندگی را بر شانه‌های خسته‌شان به دشواری تحمل می‌کنند. و قتیکه کارگران کارخانه‌ها مانند کارگران هفت تپه لب به اعتراض می‌کشایند و دستمزد کاری را که در ماه‌های گذشته کرده‌اند تقاضا می‌کنند، مالکان کارخانه و مسئولین دولتی حاضر به شنیدن صدایشان نمی‌شوند.

مگر حقوق ماهانه کارگران را بارها اعلام نکرده‌اند که مبلغی زیر خط فقر است حال که چند ماه این مبلغ ناچیز را هم که نداده‌اند کارگران چگونه زندگی کنند. چگونه پاسخگوی نان شب خانواده‌های خود باشند و آنجا که دولت باید حامی کارگر باشد وقتی خانواده‌های کارگران در کنار همسرانشان ناله‌های اعتراضی سر میدهند: «گرسنه ایم گرسنه، این بچه گرسنه وعده سرش نمی‌شه» متهم به اقدام علیه امنیت ملی می‌شوند.

در سرزمینی زندگی می‌کنیم که آزادی‌های اساسی انسانها در آن به رسمیت شناخته نمی‌شود. در جایجای ایران سخن از بیدادیست که بر مردم می‌رود. گروهی از زنان خواستار اصلاح و ایجاد تغییراتی در قوانین مربوط

روزگار سختی است ملت کهنسال ما با درآمد سرشار از فروش نفت و گاز بدون امید به آینده‌ای روشن ایام می‌گذرانند. محدودیت‌های برقرار شده در زمینه‌های اقتصادی آتارش هویدا گردیده است. انزوای سیاسی و اقتصادی حکومت ایران را برای جلب حمایت کننده در مراجع بین‌المللی به سوی کشورهای ناشناخته ای کشانده است که نه فقط منافع مشترکی با ایران ندارند بلکه به امید دریافت کمک رویه ایران کرده‌اند. حکومت با مردم بیگانه است. سئوالات مردم درباره مسائل مختلف سالهاست بدون جواب مانده است. قراردادهای نفت و گاز و یا مبالغی که حکومت ایران بعنوان کمک در اختیار سوریه و حزب الله لبنان و کشورهای کوچکی که نامشان هم آشنا نیست قرار می‌دهد و همچنین هزینه‌هایی که در اختیار بیشتر نهادهای داخلی قرار می‌گیرد نیز به هیچ وجه شفافیت ندارد. فراموش شده است که ملت ایران مالک کشور است و اوست که باید از چند و چون آنچه بر او می‌گذرد با خبر باشد. همین ابهام موجب شنیده شدن شایعات و حقایق شده بنحوی که تشخیص اخبار درست از نادرست امکانپذیر نیست. سخنان بسیار نادرستی و عدم صداقت و حیف و میل اموال عمومی توسط دست اندر کارران حکومتی است، گاهگاهی شنیده‌ها آنقدر یا تاکید است و گوینده و یا گویندگان جایگاههایی رفیع در حکومت

### سالروز قیام ملی سی ام تیر

برای گرامیداشت قیام ملی سی تیر روز یکشنبه ۳۰/۴/۸۷ ساعت ۵ بعد از ظهر از میدان هفت تیر مقابل مسجدالجواد به طرف مزار

کمیته تشکیلات جبهه ملی ایران استان تهران

شهدا حرکت می‌کنیم.

## منشاء اقتدار پایدار دولت و حکومت احیاء و سرزندگی بخش خصوصی است

از زمان جوانه زدن و زنده شدن بخش خصوصی در جنوب اروپا تقریباً در سیزده قرن قبل در شرایط فقدان حکومت‌های مقتدر مرکزی، این طبقه سوداگر یا مردم عادی متفرق بوده‌اند که بر محور منافع فردی با درست کردن شهر حکومت‌ها و وضع قوانین و مقررات مساعد، بذره‌های شناسایی منافع جمعی و ملی را کاشته‌اند و با صرف پول و امکانات برای تسهیل و توسعه تجارت و مخصوصاً مدیریت دلسوزانه منابع، حوزه اقتدار شهر حکومت خود را در سطح منطقه ای و ملی و حتی در و راه دریاها گسترش داده‌اند.

اتحاد شهر حکومت‌ها چه با مصالح و یا تسلط شهر حکومت‌های کارآمدتر بر دیگران، پایه‌های حکومت‌های مرکزی و سراسر مقتدر دولت‌های استعماری که ادعای عمران و آبادی سراسر جهان را داشتند بر قرار ساخت و وظیفه این حکومت‌های اقتدارگرا که اجزاء متشکله آن خود سوداگران و فئودالها، و ایجاد محیط مساعدتر برای تولید و تجارت و کسب ثروت در مقیاس جهانی بوده است.

سلطه تدریجی طبقه سوداگران اروپایی بر کل آمریکای شمالی و جنوبی، بر استرالیا و زلانندون، آفریقای جنوبی، شبه قاره هند، جنوب و جنوب شرقی آسیا و بالاخره بر خلیج فارس و شمال آفریقا در گذشته و مقدمه چینی امروز برای تسلط بر سیارات دیگر چه درسی به ما می‌آموزد؟

مردم در تعقیب منافع شخصی خود که گزینه طبیعی ناشی از حفظ بقاء در شرایط رقابتی است، اقتصاد و جامعه را می‌سازند و آن را تکامل می‌بخشند. این مردم یا بخش خصوصی اگر چه در ابتدا از طبقه سوداگران و تولیدکنندگان خانگی و روستایی تشکیل می‌شد تدریجاً تولیدکنندگان کارگاه‌های صنعتی، کارگران، طبقه متوسط شهری، روشنفکران، دانشگاهیان و روزنامه نگاران و وکلاء دادگستری و قضات و نویسندگان را در درون خود جای داد و با ابداع نظام حکومتی مردم‌سالار و به کمک حق رای همگانی، مردم سالاری اقتصادی را به مردم سالاری حکومتی وسعت بخشید. به عبارت دیگر نظام حکومتی مردم‌سالار بر پایه تجربه تکاملی، نظام اقتصادی را به مردم سالاری حکومتی وسعت بخشید.

کشور و جامعه ما در هر دو زمینه در آغاز راه است. تسلط اقتدارگرایانه حکومت‌های سلطنتی قبیله ای و حضور استعمارگران خارجی حداقل از دویست سال

قبل هرگز ایجاد شرایط مساعد رشد و تکامل و شکوفایی بخش خصوصی واقعی را نداشته است و چهار بار جوانه زدن بخش خصوصی در دهه‌های اول و سوم قرن بیستم (سالهای انقلاب مشروطیت و سالهای بین دو جنگ) سالهای ملی شدن صنعت نفت و سالهای برنامه‌های سوم و چهارم قبل از انقلاب (۱۳۵۲-۱۳۳۷) هر بار با دخالت و خرابکاری استعمارگران و متحدان داخلی آنها عقیم شده است.

ظهور درآمدهای دائم التزاید نفتی در اختیار حکومت و احساس استقلال و بی نیازی دولت‌ها از کمک‌های مردم و بخش خصوصی به صورت مالیات، حداقل از سال ۱۳۵۲ دولت را در مسیر خودرایی و توجه کمتر به خواسته‌های بخش خصوصی سوق داده است. امروز درآمدهای نفتی کشور روزانه به بیش از دویست میلیون دلار می‌رسد و دولت خود را محق می‌داند که این درآمدها را به سرعت هزینه کند و گرفتن مجوز از مجلس تاکنون متحد دولت برای مخارج مازاد بر بودجه مصوب، کار آسانی بوده است و دستگاه‌های نظارتی چندگانه قانونی در ایجاد کنترل و نظارت و قانونمند کردن تعهدات و هزینه‌های دولت نقش چندانی نداشته‌اند و حاصل آن دور شدن از اهداف برنامه چهارم و سند چشم انداز بیست ساله مورد نظر حاکمیت در زمینه رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و غرق شدن اقتصاد و جامعه در عدم تعادل‌های بنیادی در کلیه زمینه‌ها است.

امروز بخش خصوصی منفعل و حیران، نگران آینده خود، نگران مزد و حقوق بگیران خود، نگران نقش خود در اقتصاد و نگران موضع رقابتی کشور در اقتصاد جهانی است.

آیا هزینه کردن صدها میلیارد دلار درآمدهای نفتی به دست دولت، و بیکه تازی و خودمحوری دولت و ارکان آن در تعبیر و تفسیر قوانین و اجراء غیر متعهدانه آنها، با این پی آمدهای ناخوشایند به دلسوزان و مدعیان دلسوزی به حال کشور و ملت این درس را نمی‌دهد که به سراغ احیاء و تقویت بخش خصوصی بروند و با استفاده از تجربه بیش از هزار ساله دنیای صنعتی راه حل ترقی و تعالی مادی و معنوی کشور را در دادن سکان فعالیت‌های اقتصادی به دست خود مردم جستجو کنند و دولت را در جهت ایجاد محیط رشد اجتماعی و سیاسی جامعه و بستر سازی برای موفقیت بخش خصوصی هدایت نمایند؟

## یادروانشاد دکتر کریم سنجابی را گرامی می‌داریم

چهاردهم تیر ماه سالروز درگذشت روانشاد دکتر کریم سنجابی است. دکتر سنجابی یار وفادار دکتر مصدق پیشوای معظم نهضت ملی ایران بود. او در جوانی به خواست دکتر مصدق وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش امروزی) و پس از استعفا از وزارت به نمایندگی مجلس شورای ملی در مجلس هفدهم برگزیده شد. دکتر سنجابی به علت توان علمی بالایی که در علم حقوق داشت سالیان دراز استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود و در جریان ارجاع پرونده نفت به دیوان دآوری لاهه دکتر سنجابی تنها قاضی ایرانی حاضر در دیوان دآوری لاهه بود دکتر سنجابی نخست در حزب میهن و سپس به حزب ایران پیوست و در تشکیل جبهه ملی اول و تحصن در دربار همراه مصدق بود و در سالهای ۳۹ تا ۴۳ در رهبری جبهه ملی نقشی حساس داشت. و پس از شورایی شدن رهبری در جبهه ملی ایران به ریاست هیات رهبری برگزیده شد. پس از سقوط نظام سلطنتی در ایران به سال ۱۳۵۷ دکتر سنجابی از طرف دولت موقت به وزارت امور خارجه منسوب شد. دکتر سنجابی از همان روزهای بعد از بهمن ۵۷ بعنوان اعتراض به آغاز کژرویهایی به قدرت رسیدگان از مسیر خواسته‌های ملت ابتدا تمارض کرد و از حضور در وزارت امور خارجه و هیئت دولت خودداری نمود و در اردیبهشت ۵۸ طی نامه ای کتباً استعفا داد و با اعلام دلایل استعفا خود در مصاحبه ای استعفای خود را به علت بی دولتی و دخالت کمیته‌ها در حکومت اعلام کرد و سپس فعالیت‌های خود را بیشتر در جبهه ملی متمرکز ساخت چون جبهه ملی از همان ایام به نقد حاکمیت پرداخته بود و به مردم برای کژرویه‌ها هشدار می‌داد.

در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ که جبهه ملی برای اعلام نظریات خود مردم تهران را به گردهمایی فرا خواند با یورش همه جانبه حاکمیت جبهه ملی مورد هجوم قرار گرفت و دکتر سنجابی به ناچار به زندگی مخفی پناه برد و پس از دو سال به توصیه دوستان ناخواسته ایران زمین را ترک کرد و سالها در دیار غربت با عشق به ایران و آزادی ملت ایران به زندگی ادامه داد و سرانجام با تنی رنجور و قلبی آغشته از ابراندوستی و در آرزوی دیدار ایران زمین به ابدیت پیوست. یادش را گرامی می‌داریم.

## فسادهای باور نکردنی

شنیدن اقرار و افشاگریهای پاره‌ای از آگاهان درون حاکمیت و مقامات مسئول که هر چند وقت تکرار می‌گردد و خود یا گروهی را متهم به فساد و سوء استفاده از مقام رسمی و وجوه دولتی می‌نمایند به تمام معنا حیرت‌انگیز است، به حدی که گویی حتی تحصیل‌کردگان اهل حساب نمی‌توانند به راحتی تعداد صفرهای ارقام اعلام شده را روی کاغذ بیاورند و میزان و نوع را باور نمایند. ملاحظه می‌شود مفسدان افشا شده به قدری قدرتمند و باشهامت و وظیفه خود را انجام می‌دهند که ناظران دچار سرگیجه می‌شوند، سرگیجه‌هایی از آن نوع که معمولاً از تماشای فیلم‌های جنگی خشن و بی‌رحم در سالن پر دود و بویناک به تماشاگر فیلم دست می‌دهد! آنگاه سیری ناپذیری و حد ناشناسی چپاولگران و سازقان این تردید را به وجود می‌آورد که آیا این افراد ایرانی هستند؟! و اگر یک نفر اجنبی کلاش به جای آنها نشسته بود بیشتر از ارقام اشاره شده می‌دزدید یا مرتکب نا انصافی بیشتری می‌شد به هر حال ظاهراً باید پذیرفت که به موازات ارتقاء درجه تورم مفسدان و مختلسان هم توقعات و کارهای خود را هماهنگ با آن نموده‌اند!! اما اندکی بیاندیشید مایه و پایه ظهور این پدیده شرم آور در جامعه امروز چیست و علل گرایش افراد به این خلافکاریه‌ها کدامند؟ البته دامنه بحث به حدی وسیع است که در این گفتار مختصر نمی‌گنجد و تنها می‌توان به چند نکته اشاره نمود مثلاً: ۱- تعجب نکنید اگر در راس علتها عدم آزادی برای گفتن و نوشتن و نشر و در نتیجه عدم ایجاد نشاط و شور را قرار می‌دهیم، اگر آزادی قلم و انتقاد می‌داشتیم این همه فساد تباهی آور در خفا و تاریکی صورت نمی‌گرفت و سلامت جامعه در معرض سقوط و بیماری نمی‌افتاد بی دلیل نیست که راویان آزادی خواهی در کشور ما از یکصد سال پیشتر آرزومند رسیدن به دموکراسی از راه آزادی خواهی بوده‌اند. ۲- دومین علت رونق خرابی و خلافکاری و ثروت اندوزی، فراری دادن اهل فضل و تجربه از دانشگاه‌ها، سازمانها و ادارات دولتی است که این افراد اجباراً میهن خود را ترک کرده و گلیم خویش از موج به در برده‌اند و نتیجه آن که هدایت امور به دست ناپختگان مدعی افتاده است. ۳- سومین علت فساد، منصب گرفتن افراد بی صلاحیت و اقدامات شجاعانه (!) آنها در بی‌اعتنایی به قانون و اصول و غنیمت شمردن لحظات مقام ناپایدار می‌باشد تا این روزهای دیرپاب از کف نرود و قدرت پایان نپذیرد. ۴- بلا و ضربه مهلک دیگر بر سلامت جامعه در غیاب موهبت «آزادی» عدم اجرای یکسان مقررات قانون از جانب مسئولان دولتی و به طبع همه اشخاص حقیقی و حقوقی در مورد آحاد مردم ایران است. که نام آن تبعیض و رانت خواری بوده و هر جامعه‌ای را می‌تواند به بهشت خلافکاران و قدرتمندان تبدیل و ظلم و اجحاف بیش از پیش را آشکار نماید.

به این ترتیب، تا علت‌های مذکور (و بسیاری علت‌های ناگفته) همچنان باقی است نمی‌توان انتظار داشت: «باغ شود سبز و سرخ گل برباید.» و ما همچنان نظیر افشاگریهای اخیر را خواهیم شنید؛ و در انتظار خواهیم ماند تا ببینیم کی دادگاهی عدالت شعار و قانونی، خلافکاران را به طور علنی محاکمه نموده و احکام مناسب را صادر نماید.

## کار آفرین خسته، کارگاه بسته، کارگر

### بیکار، مدعی هشیار

در یکی از روزنامه‌های عصر تهران مورخ ۱۳۸۷/۴/۱، خبری بود که بر امیدواری‌های مردم در مورد بهبود بازار کار بسیار اضافه می‌کرد؛ خبر عبارت از این بود که آقای وزیر کار هنگام بازدید از شهرک صنعتی اشتهارد کرج گفته‌اند «ایجاد فرصتهای شغلی در سال جاری به یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر می‌رسد.» بعد از اینکه کلی از این نوید همه خوشحال می‌شدند و باورشان می‌شد که حتی برای بازنشستگان دور و برمان وضعیت اشتغال مجدد فرا هم شده است در سه سطر بعدی خوانده می‌شد که آقای وزیر گفته‌اند «در حال حاضر، حفظ اشتغال موجود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که اشتغال ایجاد شود ولی حفظ نشود، این اشتغال زانی مؤثر نخواهد بود!» بعد آقای وزیر در نقایص مختصری هم صحبت و تاکید کرده‌اند «برای حفظ اشتغال موجود باید محیط کسب و کار در کشور بهبود یابد و طی مطالعه ای که در بیش از هفت هزار واحد تولیدی انجام شده است مشکلات این واحدها در ۱۲ بخش دسته بندی و مشخص شده بیشتر مشکلات این واحدها مربوط به نیازهای مالی است چرا که هزینه‌های مالی این واحدها در حال حاضر آنچنان بالاست که باعث شده نقدینگی به سمت دلالی و امثال آن حرکت کند» وی تاکید کرد، همچنین مجموعه نرخ سود تسهیلات و جرایم بسیار سنگین و بوروکراسی موجود در سیستم بانکها مشکلات فراوانی برای واحدهای تولیدی ایجاد کرده است.

آقای وزیر در مورد میزان تولید، ایجاد رقابت بین واحدهای تولیدی و کاهش قیمت به نفع مصرف‌کننده هم راهنمایی کرده و اظهار داشته‌اند «وزارت کار و امور اجتماعی برای توسعه اقتصادی مناطق محروم و کاهش هزینه‌های تولیدی و افزایش پایداری بنگاه‌های اقتصادی زود بازده و برای تاسیس کارخانه‌هایی اقدام کرده در برخی از شهرستانها تا ده سال از پرداخت مالیات معاف می‌کند...»

بجاست به بیانات آقای وزیر اضافه کنیم که در سه سال گذشته هزاران کارخانه نیمه تمام به حال خود رها شده دهها هزار جواز تاسیس صادر گشته ولی پیشرفت کار از گرفتن کاغذ جواز فراتر نرفته و البته امار اشتغال مربوط به این مجوزها نمی‌تواند دلیل تولید اشتغال باشد ضمناً روزانه چندین کارخانه تعطیل و ارقامی به تعداد بیکاران افزوده می‌شود و دردناکتر اینکه هزاران کارگر شاغل از حیث دریافت حقوق و مزایا، گرفتاریهای صنفی و مشکلات عدیده دارند که شایسته است برای حل و فصل آنها بیشتر بیندیشند.

خلخالی و گروهی که قصد ورود به شیراز و تخریب تخت جمشید را داشتند قاطعانه مقاومت کرد و در پیامی از رادیو شیراز به مردم فارس اعلام کرد که کسانی که می‌خواهند تخت جمشید را ویران کنند باید از روی جنازه من بگذرند و به ارتشیان دستور آماده‌باش داد اما خوشبختانه آیت‌الله خلخالی برای کاری به تهران خواسته شد و به تهران بازگشت. استانداری او حدود یکماه بیشتر نبود همزمان با استعفای دکتر ستجایی از وزارت امور خارجه دولت موقت او نیز بعنوان اعتراض به محیط خفقان حاکم بر ایران استعفای خود را به آیت‌الله خمینی داد و پس از چندی ایران را برای همیشه ترک کرد. او تا هم اکنون در ۹۳ سالگی از حافظه ای بسیار قوی برخوردار است. آقای نصرت‌الله امینی در آخرین مصاحبه خود در حدود یکسال پیش می‌گوید «مصدق برای همیشه قهرمان من خواهد بود...» و در پاسخ سؤالی درباره اعتقادات مذهبی اش می‌گوید: «من فردی خیلی مذهبی بوده و هستم اما وقتی مسائل حقوقی و سیاسی به میان بیاید دین را دخالت نمی‌دهم چرا که ترکیب این دو خاستست. دین و سیاست باید از هم جدا باشد، یعنی روشی که مصدق به آن اعتقاد داشت.»

نصرت‌الله امینی در نیمه دوم خرداد ۱۳۸۷ با دلی سرشار از عشق ایران زمین در جلسه بزرگداشتی که بارانش به احترام او برگزار کردند شرکت نمود.

تجسس ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

پایاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

[www.jebhemelliiran.org](http://www.jebhemelliiran.org)

E-mail:hejmi85@yahoo.com

## «سیل دلار»

چنان که سیل بهاری به ماه آذاری!  
چنان که تنگ شود مخزن از نگهداری!  
به طی قوس صعودی کند دل آزاری!  
ز فقر و نکبت و فحشا و رنج و بیگاری!  
ازین در آمد سرشار غیر ناداری!  
که نیست حاصل آن جز خرابی و خواری!  
رود به کشور اغیار بهر همیاری!  
به مسجد و به کلیسا چرا کند یاری!  
ولی خزانه تهی بهر کار هنجاری!  
ز بهر بردن و خوردن به حکم خوشخواری!  
بدان صفت که چرد ماده گاو پرواری!  
نموده دین صفتان را حریف بازاری!  
به جهل نغله شود یا به عمد وهشیاری!  
که ملت است ز دولت در اوج بیزاری!  
ادیب پرومند

ز نفت سیل «دلار» است در وطن جاری  
چنین درآمدی حد فزون شود هر سال  
ولیک فقر عمومی به رغم این همه مال  
فزونتر آمد هر ساله گونه گون اد بار  
چه بهره‌ای برد این ملت ضعیف نحیف  
کجا همی رود این گونه سیم وزر مذاب  
روا بود که بگویم کجا رود زر و سیم  
به حیرتم ز چراغی که خود به خانه رواست  
شود مصارف بیجا به کار ناهنجار  
و دیگر آن که گشوده ست کیسه‌های گشاد  
به مرغزار وطن خوش چرند مفتخواران  
به حیرتم که رفایت به کسب مال و منال  
ندانم این که چرا مال ملتی بدیخت  
من این حدیث ندانم ولیک می‌بینم

## تجلیل از نصرالله امینی یار همیشه وفادار دکتر مصدق

آقای نصرت‌الله امینی شهرداری تهران در دوران دولت ملی دکتر مصدق و وکیل امور شخصی او و نخستین استاندار استان فارس بعد از انقلاب ۵۷ بود. نصرت‌الله امینی در خرداد ماه ۱۳۹۴ خورشیدی در شهر اراک پا به عرض و وجود نهاد در مدرسه دارالفنون تهران درس خواند و در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. در زمان دولت ملی مصدق شهردار تهران شد و در همین ایام است که لوله کشی آب تهران به بهره برداری رسید. در کارهای شخصی دکتر مصدق وکالت او را به عهده داشت و این کار را برای خود اختلاری بزگی می‌دانست و هرگز حق وکاله‌هایی را که

مصدق برایش به وسیله چک می‌فرستاد دریافت نکرد و آنرا پشت نویسی کرده به حساب بیمارستان نجمیه واریز می‌کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چندین بار به زندان افتاد و مدتها در زندان قصر در کنار رهبران جبهه ملی زندانی بود. او بعد از کودتای هیچ سمتی را پذیرا نشد و سرانجام در سال ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۹ خورشیدی) چهار سال پس از درگذشت دکتر مصدق به همراه همسر و ۴ پسر و دختر خود به امریکا رفت و در آنجا سکونت گزید. پس از انقلاب ۵۷ به ایران آمد و به سمت استاندار فارس منصوب شد. امینی با دخالت کمیته‌ها و پاسداران و بودن دولت در دولت به شدت مخالفت نمود در همان روزهای اول انقلاب در برابر آیت‌الله